

سنجۀ کتاب

بخش چهارم^۱

— ﴿﴾ علی اکبر صفری ﴿﴾ —

سنجۀ (۵۶) فهرست مخطوطات آیت الله حیدرعلی دوست حسینی یزدی

آیت الله شیخ حیدرعلی دوست حسینی یزدی فرزند مرحوم غلام حسین یزدی در هفتم بهمن ۱۳۰۵ شمسی در یزد متولد شد. پس از آموختن دروس رسمی رایج در پانزده سالگی وارد حوزه علمیه یزد شد و پس از سه سال به نجف اشرف مهاجرت کرد. ایشان در حوزه نجف به مدت هفده سال در درس اساتید بزرگوار حضرات آیات: سید ابوالقاسم خوئی (خارج فقه و اصول)، سید محسن حکیم (خارج فقه)، سید محمود حسینی شاهرودی، سید عبدالهادی شیرازی، میرزا حسن یزدی، سید یحیی مدرس یزدی (خارج فقه و اصول)، سید حسین حمّامی یزدی (خارج فقه)، شیخ محمود علوم (رسائل و مکاسب)، سید اسدالله مدنی تبریزی (مقدمات)، سید عبدالاعلی سبزواری (فقه و اصول) شرکت کرد. ایشان با تکمیل دروس از نجف بازگشت و به درخواست یزدیهای مقیم کرج و شاگردش شیخ حسن پورشمسیان (امام جمعه فقید گنبد) در شهر کرج اقامت گزید. وی در این شهر به تبلیغ و اقامه نماز جماعت و تدریس رسائل و مکاسب پرداخت.

۱. سنجۀ کتاب نویافته‌های پراکنده‌ای است در شناخت آثار مکتوب و نسخه‌های خطی و آگاهی از زندگی‌نامه‌های نویسندگان.

وی همراه با مرحوم آیت الله سید حسن مدرسی یزدی و دیگر علمای مقیم کرج به تأسیس حوزه کرج - نخستین حوزه علمیه در غرب تهران - اقدام کرد و شروع به تدریس نمود.

آیت الله دوست حسینی از شیخ آقابزرگ تهرانی اجازه نقل روایت داشت و همچنین دارای وکالت شرعی از طرف آیات عظام خوئی، حکیم، شاهرودی، میلانی، سید عبد الاعلی سبزواری، سیستانی، گلپایگانی و سید محمد شیرازی بود.

مرحوم دوست حسینی در اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان رییس شورای روحانیت انتخاب شد و سپس از سوی جامعه مدرسین برای قضاوت در دادگاههای کرج معرفی شد. در همان روزهای آغاز قضاوت، آگاهی یافت ماموران شخصی را به اجبار به اعتراف به جرمی وادار کرده اند و اعتراف گرفته اند، با این اتفاق استعفا نمود و تا آخرین روز زندگی به تدریس و تربیت طلاب و فضلا پرداخت.

ایشان در هشتم مهرماه ۱۳۷۷ در هفتاد و دو سالگی درگذشت و در آرامگاه امامزاده محمد علیه السلام کرج به خاک سپرده شد. کتابخانه ایشان دارای حدود هزار جلد کتاب بود که پس از وفات به حوزه علمیه امام صادق علیه السلام کرج وقف گردید.

آیت الله دوست حسینی یزدی دارای اجازاتی از مراجع بزرگوار شیعه بود، از جمله:

اجازه اجتهاد از آیت الله سید یحیی مدرسی یزدی ۲۷ رجب ۱۳۹۷

اجازه اجتهاد و امور حسبیه از آیت الله سید حسین موسوی حمّامی ۸ ربیع الاول ۱۳۷۶

امور حسبیه از امام خمینی به تاریخ ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۸۶

امور حسبیه از آیت الله سید ابوالقاسم خویی ۲۷ محرم ۱۳۸۰

اجازه امور حسبیه از آیت الله سیستانی ۱۲ شعبان ۱۴۱۴

اجازه امور حسبیه از آیت الله سید محمود حسینی شاهرودی ۲۸ شوال ۱۳۸۰

اجازه نقل روایت از آیت الله سید محمود حسینی شاهرودی ۸ رمضان ۱۳۸۰

اجازه امور حسبیه از آیت الله سید عبدالهادی حسینی شیرازی ۲۶ محرم ۱۳۸۰

اجازه امور حسبیه از آیت الله سید احمد خوانساری (ذیل اجازه آیت الله سید عبدالهادی

حسینی شیرازی)

اجازه امور حسبیه از آیت الله سید کاظم شریعتمداری ۲۰ شوال ۱۳۹۸

اجازه امور حسبیه از آیت الله سید محمد روحانی ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۱۴

اجازه امور حسبيه از آیت الله سيد محسن حکيم ۲۲ ذيقعدہ ۱۳۸۰
اجازه امور حسبيه از آیت الله سيد محمد هادی ميلانی ۲۲ رجب ۱۳۹۱
اجازه نقل روايت از شيخ آقابزرگ تهرانی ۱۶ شوال ۱۳۵۹
اجازه امور حسبيه از آیت الله سيد حسن طباطبائی قمی ۲۴ ذیحجه ۱۴۰۷
اجازه امور حسبيه از آیت الله سيد عبدالهادی حسینی شیرازی ۲۶ محرم ۱۳۸۰
فهرست پيش رو مجموعه ميراث فقهي و اصولی ایشان است که به یادگار مانده است.
این مجموعه در بردارنده دفترهای تقریرات فقه و اصول حضرات آیات خویی و سيد یحیی
یزدی است و به قلم مولف به خط نسخ تحریری در دفترچه های چهل برگی تحریر شده، نزد
خانواده ایشان نگهداری می شود و در دی ماه ۱۳۹۳ توسط حجت الاسلام والمسلمین آقای
محمد صفر جبرئیلی از علمای کرج و شاگردان ایشان به مؤسسه کتابشناسی آورده شد و
تصویری از این مجموعه در مؤسسه کتابشناسی شیعه موجود است. از جناب حجت الاسلام و
المسلمین استاد محمد صفر جبرئیلی؛ از شاگردان این عالم فقیه برای در اختیار گذاشتن
اطلاعاتی از زندگانی ایشان تقدیر و تشکر می شود.

دوره اصول فقه:

۱. تقریرات اصول آیت الله العظمی خویی
از تاریخ ۱۲ ربیع الاول ۱۳۷۲ تا ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۷۲
بجث علم اجمالی، بجث مفهوم، الکلام فی البداء، المطلق و المقید.
۲. تقریرات اصول آیت الله العظمی خویی
از ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۷۲ تا ۷ جمادی الثانی ۱۳۷۲
بجث مقدمات حکمت
۳. تقریرات اصول آیت الله العظمی خویی
از ۸ جمادی الثانی ۱۳۷۲ تا ۱۹ شعبان ۱۳۷۲
بجث امارات.
۴. تقریرات اصول آیت الله العظمی خویی
از ۲۰ شعبان ۱۳۷۲ تا ۱۶ شوال ۱۳۷۲
الکلام فی امکان التبعبد؛ الکلام فی تأسیس الأصل فی حجیة الظن.

٥. تقريرات اصول آيت الله العظمى خويى
١٧ شوال ١٣٧٢ تا ٢١ ذيقعدة ١٣٧٢
الكلام فى حجّية قول اللغوى، حجّية الاجماع، حجّية شهرة، حجّية خبر واحد.
٦. تقريرات اصول آيت الله العظمى خويى
٢٢ ذيقعدة ١٣٧٢ تا ربيع الاوّل ١٣٧١
حجّية خبر واحد، حجّية الظن، اصول علميّه بحث براءة.
٧. تقريرات اصول آيت الله العظمى خويى
٧ جمادى الاولى ١٣٧٢ - ٣ شعبان ١٣٧٣
شبهات تحريميه ووجوبيه، شبهات موضوعيّه، بحث اشتغال.
٨. تقريرات اصول آيت الله العظمى خويى
از ٢ ربيع الاول تا ٦ جمادى الاول ١٣٧٣
بحث براءة، استصحاب.
٩. تقريرات اصول آيت الله العظمى خويى
از ٦ شعبان ١٣٧٢ تا ١٤ ذيقعدة ١٣٧٣
علم اجمالى، شبهه غير محصوره، اقل واكثر.
١٠. تقريرات اصول آيت الله العظمى خويى
از ١٦ ذيقعدة ١٣٧٣ تا ٢٥ ربيع الاول ١٣٧٤
علم اجمالى، دوران الامر بين التعيين والتخير، شرايط الاصول
١١. تقريرات الاصول آيت الله العظمى خويى
از ٢٦ ربيع الاول ١٣٧٤ تا ٦ جمادى الثانى ١٣٧٣
بحث الالفاظ، استصحاب.
١٢. تقريرات اصول آيت الله العظمى خويى
از ٧ جمادى الثانى ١٣٧٤ تا ٢٤ شوال ١٣٧٤
بحث تنبيهات استصحاب.
١٣. تقريرات اصول آيت الله العظمى خويى
از ٢٧ شوال ١٣٧٤ تا ١٥ ذيقعدة ١٣٧٤

ادامه استصحاب

۱۴. تقریرات اصول آیت الله العظمی خویی

۱۸ ذی‌قعدہ ۱۳۷۴ تا ۵ ربیع الثانی ۱۳۷۵

ادامه استصحاب، حجیت استصحاب.

۱۵. تقریرات اصول آیت الله العظمی خویی

۱۱ ربیع الثانی ۱۳۷۵ تا ۱۷ جمادی الثانی ۱۳۷۵

الکلام فی التعادل والترجیح

۱۶. تقریرات اصول فقه آیت الله العظمی خویی (دوره دوم)

از ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۷۵ تا ۲۱ رجب ۱۳۷۵

اصول فقه، تعریف تا الکلام فی الواضع

۱۷. تقریرات اصول فقه آیت الله العظمی خویی (دوره دوم)

۲۸ رجب ۱۳۷۵ تا ۱۸ شوال ۱۳۷۵

ادامه وضع

۱۸. تقریرات اصول فقه آیت الله العظمی خویی (دوره دوم)

۱۹ شوال ۱۳۷۵ تا ۲۲ محرم ۱۳۷۶

اشتراک لفظی و معنوی، مشتق

۱۹. تقریرات اصول فقه آیت الله العظمی خویی (دوره دوم)

۲۶ محرم ۱۳۷۶ تا ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۷۶

الکلام فی التعبدی والتوصلی

۲۰. تقریرات اصول فقه آیت الله العظمی خویی (دوره سوم)

از ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۷۶ تا ۱۲ ذی‌قعدہ ۱۳۷۶

مقدمه واجب و مباحث وابسته

۲۱. تقریرات اصول فقه آیت الله العظمی خویی (دوره دوم)

۲۰ محرم الحرام ۱۳۷۷ تا ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۷۷

اجتماع امر ونهی

در این سلسله مباحث مؤلف جهت سفر حج در دوره اصول حضور نداشته است.

٢٢. تقريرات اصول فقه آيت الله العظمى خويى (دوره دوم)
٢٠ ربيع الثانى ١٣٧٧ تا ٢٠ رجب ١٣٧٧
مفهوم وصف، حصر، عدد، الكلام فى العموم والخصوص
٢٣. تقريرات اصول فقه آيت الله العظمى خويى (دوره دوم)
٢١ رجب ١٣٧٧ تا ١٥ ربيع الاول ١٣٧٨
مقدمات حكمت، مطلبق و مقيد، الكلام فى التجزى
٢٤. تقريرات اصول فقه آيت الله العظمى خويى (دوره دوم)
٢٢ ربيع الاول ١٣٧٨ تا ٢٠ جمادى الاول ١٣٧٨
حجيه ظن، حجيه ظواهر، شهرة، حجيه خبر واحد
٢٥. تقريرات اصول فقه آيت الله العظمى خويى (دوره دوم)
از ٢٤ جمادى الاول ١٣٧٨ تا ٩ شعبان ١٣٧٨
ادامه حجيه خبر واحد، حجيه ظن، حجيه ظواهر، اجماع منقول
٢٦. تقريرات اصول فقه آيت الله العظمى خويى (دوره دوم)
از ٩ شعبان ١٣٧٨ تا ٢٦ ذيقعدة ١٣٧٨
الكلام فى الاصول العمليه برائت
٢٧. تقريرات اصول فقه آيت الله العظمى خويى (دوره دوم)
از ٩ ذيحجه ١٣٧٨ تا ٢٣ ربيع الاول ١٣٧٩
ادامه برائت، علم اجمالى، امر بين المحذورين ودوران الامر بين المحذورين
٢٨. تقريرات اصول فقه آيت الله العظمى خويى (دوره دوم)
از ٢٤ ربيع الاول ١٣٧٩ تا ٦ رجب ١٣٧٩
ادامه علم اجمالى
٢٩. تقريرات اصول فقه آيت الله العظمى خويى (دوره دوم)
٧ رجب ١٣٧٩ تا ١٤ ذيقعدة ١٣٧٩
الكلام فى احكام الاصول، الكلام فى قاعده لاضرر
٣٠. تقريرات اصول فقه آيت الله العظمى خويى (دوره دوم)
١٥ ذيقعدة ١٣٧٩ تا ٢٢ ربيع الاول ١٣٨٠

بحث استصحاب

۳۱. تقریرات اصول فقه آیت الله العظمی خویی (دوره دوم)

۲۵ ربیع الاول ۱۳۸۰ تا ۱۱ جمادی الاول ۱۳۸۰

ادامه استصحاب؛ تنبیہات استصحاب

۳۲. تقریرات اصول فقه آیت الله العظمی خویی (دوره دوم)

۱۶ جمادی الاول ۱۳۸۰ تا ۲۱ رجب ۱۳۸۰

ادامه استصحاب، تنبیہات استصحاب

۳۳. تقریرات اصول فقه آیت الله العظمی خویی (دوره دوم)

از ۲۲ رجب ۱۳۸۰ تا ۲۲ شعبان ۱۳۸۰

ادامه تنبیہات استصحاب

دوره فقه:

۳۴. تقریرات فقه آیت الله العظمی خویی

۱۶ جمادی الاول ۱۳۷۴ تا ۲۰ شعبان ۱۳۷۴

کتاب البیع: شروط بیع، ولایت أب، جد، فقیه

۳۵. تقریرات فقه آیت الله العظمی خویی

۲۲ شعبان ۱۳۷۴ تا ۱۸ محرم ۱۳۷۵

ادامه ولایت فقیه، شرایط العوضین

۳۶. تقریرات فقه آیت الله العظمی خویی

از ۵ رجب ۱۳۷۷ تا ۲۲ شوال ۱۳۷۷ شرایط عقود و شرایط متعاقدين، بیع صبی

۳۷. تقریرات فقه آیت الله العظمی خویی

۱۸ ذیقعدہ ۱۳۷۷ تا ۲۶ شوال ۱۳۷۹

ادامه بیع صبی، بیع فضولی، خيارات

۳۸. تقریرات فقه آیت الله العظمی خویی

۲۲ ذیحجه ۱۳۷۸ تا ۱۰ ربیع الاول ۱۳۷۹

الكلام فی المطهرات تا الارض از مسائل العروة الوثقی

۳۹. تقریرات فقه آیت الله العظمی خویی

- ١٢ ربيع الاول ١٣٧٩ تا ٤ جمادى الثانى ١٣٧٩
الثالث من المطهرات الشمس تا مسئله استبراء حيوان
٤٠. تقريرات فقه آيت الله العظمى خويى
٥ جمادى الثانى ١٣٧٩ تا ٩ شعبان ١٣٧٩
ادامه مبحث استبراء حيوان، فصل فى حكم الاوانى، تطهير بالماء
٤١. تقريرات فقه آيت الله العظمى خويى
١٧ شعبان ١٣٧٩ تا ١١ شوال ١٣٧٩
ادامه تطهير بالماء، الاستبراء، وضوء، استحباب وضوء
٤٢. تقريرات فقه آيت الله العظمى خويى
١٤ ذيقعه ١٣٧٩ تا ١١ ربيع الاول ١٣٨٠
مبحث وضوء
٤٣. تقريرات فقه آيت الله العظمى خويى
١٣ ربيع الاول ٨٠ تا ١٧ ربيع الثانى ١٣٨٠
مبحث وضوء مسح، مبحث تقيه
٤٤. تقريرات فقه آيت الله العظمى خويى
١٨ ربيع الثانى ١٣٨٠ تا ٢٣ جمادى الاول ١٣٨٠
ادامه تقيه، شرايط الوضوء
٤٥. تقريرات فقه آيت الله العظمى خويى
٢٤ جمادى الاول ١٣٨٠ تا ١٩ رجب ١٣٨٠
شرايط غسل ووضوء تا شك در وضوء
٤٦. تقريرات فقه آيت الله العظمى خويى
٢٠ رجب ١٣٨٠ تا آخر رمضان ١٣٨٠
مبطلات وضوء، تيمم
٤٧. تقريرات فقه آيت الله العظمى خويى
٢٨ جمادى ١٣٧١ تا ٢٣ شعبان ١٣٧٢
مبحث صلاة والكلام فى المياه

٤٨. تقريرات فقه آيت الله العظمى خويى
٧ جمادى الاولى ١٣٧٨ تا ٢٠ ذىحجه ١٣٧٨
بجث نجاسات عصير نجس وساير نجاسات، مسائل طهارت ودماء ثلاثه
٤٩. تقريرات فقه آيت الله العظمى خويى
٢٨ جمادى الاولى ١٣٧١
تاجث صلاة وشرائط صلاة مسافر
٥٠. تقريرات فقه آيت الله العظمى خويى
٢٣ محرم الحرام ١٣٧٥
الكلام فى المياه، نجاسات خمر، كافر
٥١. تقريرات اصول آيت الله العظمى خويى
١٢ ربيع الاول ١٣٧١ تا ١٤ جمادى الثانى ١٣٧١
بجث مقدمه واجب، واجب تخيىرى
فى التعارض والتزاحم، ترتب واجب وموسع
٥٢. تقريرات اصول آيت الله العظمى خويى
١٥ جمادى الثانى ١٣٧١ تا ١١ ربيع ١٣٧١
الكلام فى النواهى، مفهوم الوصف، مفهوم غاية، مفهوم حصر.
تقريرات آيت الله سيد يحيى يزدى:
٥٣. تقريرات فقه آيت الله سيد يحيى يزدى
از ١٤ محرم ١٣٧٧ تا ٩ ربيع الثانى ١٣٧٧
بجث رقاب، الكلام فى المستحقين فى الزكوة، فى ولاية التصرف فى الزكوة، كتاب البيع،
معاطاة
٥٤. تقريرات فقه آيت الله سيد يحيى يزدى
١١ ربيع الثانى ١٣٧٢ تا ٤ رجب ١٣٧٧
ايجاب وقبول فى البيع، شروط متعاقدين، تنبيهات المعاطاة، اقسام المعاطاة
٥٥. تقريرات فقه آيت الله سيد يحيى يزدى
اول رمضان ١٣٧٥ تا ١٦ رمضان ١٣٧٧

قاعدة الید، کتاب الصوم، تعریف الصوم، صوم المنذور، صوم یوم الشک

۵۶. تقریرات فقه آیت الله سید یحیی یزدی

۱۴ ذیقعدہ ۱۳۷۹ (تاریخ شروع)

کتاب البیع خیارات، خیار حیوان، خیار الشرط، خیار غبن.

۵۷. جنگ شعر (فارسی و عربی)

در این جنگ اشعاری در مناجات، مدح و مرثیه اهل بیت علیهم السلام، احادیث منتخب، مطالب

تفسیری، مجموعه مطالب منبری است برخی از مطالب آن عبارتند از:

طریق استخاره شیخ انصاری به نقل از آخوند ملا اسماعیل

اشعاری از آقای شیخ الطائفه (شاعر معاصر)

اشعاری از آقای صدرالدین تهرانی (شاعر معاصر)

اشعاری از آقای لثالی دماوندی (از شعرای دماوند)؛ قصیده ای بیست و دو بیتی در مدح

حضرت زهرا علیها السلام

اشعاری از صفای اصفهانی؛ مناجات

اشعاری عربی از سید رضا هندی.

تاریخ ولادت فرزندان

این جنگ در ۳۰۰ برگ، قطع جیبی در ایام حضور ایشان در نجف اشرف قلمی شده است.

سنجه (۵۷) کتابی منسوب به سید لاری

نسخه ای از کتاب اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات یا اسرار الشهاده از فاضل دربندی

در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۹۷۷۲ (فهرست کتابخانه مرعشی ج ۲۵ ص ۱۱۲)

موجود است که به اشتباه به عبد الحسین لاری دزفولی بهبهانی (۱۲۶۴-۱۳۴۰ ق) نسبت داده

شده است. این نسخه از مجلس سیزدهم اسرار الشهاده آغاز می شود و در انجام و انجامه نیز با

اصل کتاب برابر است. این اشتباه به فهرست دنا ج ۲ ص ۹۶ راه یافته است.

سنجه (۵۸) دو اثر از فاضل اعمی

یکی از روشندان نمونه که در پایان عصر قاجار و پهلوی اول می زیست و نقشی ارزنده در

آموزش نسل پیشین داشت، مرحوم ملا عباس علی سبحان مشهور به «فاضل اعمی» است.

این عالم و شاعر و ادیب در ۱۲۹۶ ق در تهران چشم به جهان گشود. وی فرزند میرزا محمد منشی نجم آبادی ساوجبلاغی از دبیران و خوشنویسان دوره مظفرالدین شاه و ناصرالدین شاه و برادر دبیر اعلم تقی بن محمد ساوجبلاغی «عنوان نگار» است.

وی هنگام ولادت از نعمت دو چشم محروم بود. و توانست با تربیت و آموزش پدر و برادرش در سالهای خردسالی قرآن را حفظ نماید و پس از آن به فراگیری دروس ادبیات عرب و منطق علوم معانی بیان و بدیع همت گماشت. وی با همت بلند به آموختن زبانهای ترکی و عربی و فرانسه و روسی و انگلیسی پرداخت و در مکالمه و ترجمه و تدریس این زبانها تسلط یافت. وی در نوجوانی به مدرسه سپهسالار و مدرسه کاظمیه تهران رفت و نزد میرزا حسن آشتیانی و سید علی اکبر مجتهد تفرشی و شیخ هادی نجم آبادی و شیخ فضل الله نوری و شیخ عبدالنبی نوری و میرزا طاهر تنکابنی علوم فقه و حکمت را فرا گرفت.

فاضل اعمی در دربار قاجار و برخی مدارس تهران به تدریس فقه و ادبیات عرب و شرح دیوان منتبّی اشتغال داشت و با توجه به مهارت در علم فقه و ادبیات عرب به «فاضل اعمی» و «فقیه الملک» شهرت یافت. وی همچنین در مدارس جدید التاسیس دختران مانند مدارس میرزا حسن رشدیّه به تدریس می پرداخت.

دبیر اعلم که آموزش علمی و ادبی برادرش را همراه با آموزش فرزند خود میرزا شفیع^۱ داشته او را چنین وصف نموده است^۲:

این برادر مرا بسوخت جگر	که پرورم او را ز حال صغر
طفل کوری بُد او را ز غیرت خویش	فاضلش کرده ام من درویش
سالها بانداری و عسرت	چون عصاکش بدم خود از غیرت
از کتب و ز تجارب خود نیز	آنچه دیدم بدادمش تمییز
کردم القاء ز اسماع و را	تا که روشن بیایدش ز القاء
هر چه آمد بدستم از زر و مال	صدف او کرده ام مرا بآل

۱. مرحوم میرزا شفیع فرزند دبیر اعلم از قرآن نویسان و خطاطان اواخر قاجار و اوایل دوره پهلوی بوده و از وی آثار قلمی مانند قرآن به نسخ ممتاز و مذهب، نهج البلاغه، دیوان حافظ و مرقعات خوشنویسی به یادگار مانده است. مزار او در قبرستان نوقم در کنار فرزند خطاط و هنرمندش سرهنگ غلامحسن دبیران به شماره ۱۲۴۹۷ قرار دارد. تاریخ وفات او بیست و هفتم مرداد ۱۳۳۳ است.

۲. دیوان و کلیات آثار، نسخه خطی دانشگاه تهران، شماره ۴۳۲۲، برگ ۱۲۰ و ۴۷.

...

فاضل باوفا سلام علیک	ای تو بحر صفا سلام علیک
دوری آن جناب بر بنده	آنچنان شد که من نیم زنده
توبه فضل و کمال چون جانی	هر چه شایسته شد مرا آنی
بد بسا و جبالغ فخر از تو	با صفای ضمیر و رأی نکو
حافظی بر کلام خالق من	مداح تو باشد فزون ز سخن
آفرین باد به ذهن و قادت	که برادر تصدقت بادت
دل و جان برادرت بفدا	یادگاری هم از پدر تو مرا
گر همی جان کنم ترا قربان	خجلم بنده از حقارت آن

از فاضل اعمی دو کتاب به یادگار مانده است:

۱- ترجمه منظوم کتاب قواعد^۱ علامه حلی.

وی نظم این کتاب را در بحر جزو به مدت سه سال به پایان برده است.

۲- ترجمه نصاب الصبیان به ترکی و انگلیسی و روسی و فرانسه

فاضل سبحان در چهارشنبه سیزدهم فروردین ۱۳۳۱ برابر ششم رجب ۱۳۷۱ ق دارفانی را وداع گفت و در صحن امامزاده عبدالله تهران (مقبره مشیری ها) به خاک رفت. تبار فاضل اعمی به سبحان شهرت دارند و شاعر معاصر مرحوم «رضا سبحان» از نوادگان اوست.

شاعر ادیب مرحوم غلامرضا دبیران درباره او چنین سروده است:

کیست آن کو ظاهرا از چشم نایبناستی	لیک در باطن مرا و را چشم بس زیباستی
گرچه با این چشم صوری می ندیده هیچ چیز	لیک معنا جمله اشیا مرا و را پیداستی
گر ندیده شمس اندر سینه اش شمسی بزرگ	ور ندیده بحر صدرش علم را دریاستی

۱. قواعد علامه قرنهای منبغ فقه و احکام بوده است حسن بیگ روملو (قرن دهم) در احسن التواریخ نوشته است: «... در آن اوان مردمان از مسائل مذهب حق جعفری و قواعد و قوانین ملت ائمه اثنی عشری اطلاعی نداشتند، زیرا که از کتب فقه امامیه چیزی در میان نبود و جلد اول از کتاب قواعد اسلام که از جمله تصانیف سلطان العلماء المتبحرین شیخ جمال الدین مطهر حلی است که شریعت پناه قاضی نصرالله زیتونی داشت از روی آن تعلیم و تعلم مسائل دینی می نمودند تا آن که روز به روز آفتاب حقیقت مذهب اثنی عشری از ارتفاع پذیرفت و اطراف عالم از اشراق لواعط طریق تحقیق از مشارق منور گردید.»

شمسی اندر سینه دارد شمس گردون مات او
چشم بگشاتا بینی شمس اندر صدر او
مخزن اسرار حق و حافظ قرآن بود
گاه نطق و خطبه اش ریزد گهرها از دهان
هر که را نبود چنین توفیق حق باید دهد
بر «دیران» فرض باشد مدح او گفتن به جان
حبذا بر سینه ای کان شمس را ماواستی
گر نیند شمس چشمت کی قصور از ماستی
به به از آن کوبه احکام خدا داناستی
کیست سبحان در فصاحت شخص بی همتاستی
این بزرگی در خور آن فاضل اعماستی
چون فقیه الملک او را مهتر و والاستی

این آگاهی از زندگی نامه و آثار ایشان از روزنامه ستاره مورخ بیست و چهارم فروردین ۱۳۲۱ شمسی و راهنمایی نواده ایشان سرکار خانم شایسته سبحان بدست آمد.



تصویری از ملاعباس علی سبحان «فاضل اعمی»

سنجه (۵۹) اثری در زندگی نامه ابن فهد حلّی

این اثر در کتابخانه ملی ملک به شماره ۱۰۲۳۱۵۲ (فهرست کتابخانه ملک ج ۷ ص ۱۸۶) با عنوان «ترجمه احوال ابن فهد حلّی به عربی» آمده است.

که متن آن به شرح ذیل است:

«الشیخ الزاهد الربّانی احمد بن فهد الحلّی کان تلمیذ الشیخ علی بن خازن الحایری وهو تلمیذ الشیخ الشهید المکّی رحمهم الله صوفی مرتاض صاحب الذوق والحال من کتبه المعروفة کتاب المهذب وشرح المختصر النافع وکتاب عدّة الداعی وکتاب التحصین فی صفات العارفين ویروی انه رأى فی المنام أنّ السید الأجل علم الهدی وضع یدیه علی ید مولانا امیرالمؤمنین صلوات الله علیه وذاهبین الی المشهد الحسین صلوات الله علیه فسلمّ وأستمع الجواب ثمّ قال السید علم الهدی للشیخ أهلاً بنا صرنا أهل البیت وسئله عن مصنفاته فأجاب بأسامیها ثمّ أمره السید بأن یصنّف کتاباً فیہ تحریر مسائل وتسهیل الطرق والدلائل وأن یقول فی أوّله (بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله المقدّس بکماله عن مشابهة المخلوقات) فلمّا یتلفظ الشیخ علی حسب أمر السید تم الخطبة والکتاب وسماه تحریراً ومن جملة تلامذته السید محمد النوربخش المشهور الذی هو من اکابر الصوفیة والیه ینتهی فی زمانه السلسلة العلیة الهمدانیة ومنهم الشیخ الأجل علی بن الهلال الجزائری الذی کان من أفضل المشایخ والشیخ الكامل علی بن عبدالعالی ومنهم الشیخ الشهید زین الدین قدّس الله اسرارهم کذا فی المجالس المؤمنین»

چنان که در متن آمده این مطلب ترجمه عربی زندگینامه ابن فهد از کتاب مجالس المؤمنین است. وکاتب در گوشه ای از ورقه به خط ریز عبارت «کذا فی المجالس المؤمنین» را تحریر نموده است. متن یاد شده در کتاب مجالس المؤمنین چاپ بنیاد پژوهش های اسلامی در ج ۱ ص ۵۹۸-۶۰۰ آمده است.

سنجه (۶۰) زندگینامه خودنوشت آیت الله سید عبداللطیف حسینی قرشی کوهمری

آیت الله قرشی کوهمری از علمای وارسته و پرتلاش و خود ساخته بود و زندگانی شریف خود را در تحقیق میراث اهل بیت علیهم السلام گذراند. این زندگی نامه خود نوشت از کتاب سترگ ایشان الکنی والألقاب نقل می شود. یادکردی از او در مقدمه شعراء أهل البیت الطاهرين فی

مناقب آل ابی طالب و کتاب فرهنگ نام آوران خوی و مقدمه الاجازة الوجيزة (اجازه روایی ایشان) آمده است.^۱

افزون بر مطالب ذیل این است که کتاب ملحقات احقاق الحق (از جلد بیستم تا آخر؛ جلد سی و سوم) و فهرست سه جلدی ملحقات احقاق الحق و کتاب شعراء أهل البيت الطاهرين فی مناقب آل ابی طالب و جزآن در این زندگی نامه درج نشده است. کاملترین زندگی و فهرست آثار ایشان را استاد بزرگوار علی صدرائی خوئی در مقدمه شعراء أهل البيت الطاهرين فی مناقب آل ابی طالب قلم زده است. این عالم بزرگوار در اول آذر ۱۳۹۵ برابر با ۲۱ صفر ۱۴۳۸ درگذشت و در آرامگاه شیخان به خاک سپرده شد.

متن زندگینامه خودنوشت سید عبداللطیف قرشی کوهکمری

السید عبداللطیف بن السید علی اکبر بن السید خلیل بن السید حسین بن السید صادق بن السید علی بن السید عبدالرحیم بن السید علی بن السید علی بن السید حسن بن المدفون بکوهکمر، صاحب القبّة و المزار بها ینتهی نسبه الی الحسن الأفتس ابن علی الأصغر بن سید الساجدین زین العابدین ع العلوی الحسینی الأفتسی الملقّب بالقرشی الکوه کمری المولود بها ۱۴ صفر الخیر ۱۳۵۰ هـ أخذ أوائل العلوم عن السید الجلیل العالم الورع الزاهد الآقا المیر رسول بن السید عبدالله الکوه کمری قدس سرّه الشریف ثم سافر مع والده رحمه الله تعالی الی بلدة خوی و نزل بمدرسة النمازی و أقام بها سنین مستفیداً عن العلماء الأعاضم ثم رحل الی بلدة قم الطیّبة عشّ آل محمد صلی الله علیه و آله لائذ بعتبة فاطمة المعصومة راجياً من الله تعالی أن يجعله من خدام آثار أهل البيت ع أهل الشرف و أهل الکرامة فإنه خیر محبب.

تألیفه

أخبار الامّة الطاهرين فاطمة سیدة النساء العالمین

أخبار آمنة بنت وهب أم النبی صلی الله علیه و آله

۱. مقدمه شعراء أهل البيت الطاهرين فی مناقب آل ابی طالب، تألیف آية الله السید عبداللطیف القرشی الکوه کمری، اعداد علی الصدرایی الخوئی (ساری، انتشارات شلفین، ۱۳۹۲). فرهنگ نام آوران خوی از سده اول تا قرن چهارده هجری، بهروز نصیری و زهرا عاشرزاده، (خوی، نشر قراقوش، ۱۳۸۲) ص ۴۱۵-۴۱۶. الاجازة الوجيزة، حضرت آیت الله سید عبداللطیف حسینی قرشی کوهکمری (قم، ۱۳۹۲) ص ۸۲.

أخبار عبد الله بن عبد المطلب والد النبي ﷺ
أخبار أبي طالب وإثبات إيمانه
أخبار فاطمة بنت أسد أم أمير المؤمنين وإنها أول من آمن رسول الله ﷺ
أخبار زبير بن عبد المطلب عم النبي ﷺ
أخبار عبد الله بن زبير بن عبد المطلب والد النبي ﷺ
أخبار أبي سفيان بن الحارث بن عبد المطلب ابن عم رسول الله ﷺ
أخبار أمهات المعصومين عليهم السلام
أشبهاء النبي فيمن يشبهه في الخلق أو الخلق
أشبهاء أمير المؤمنين عليه السلام
أشبهاء فاطمة الزهراء عليها السلام
أنباء الضريرين والمكفوفين الى البصيرين
حوارى المعصومين عليهم السلام
إرشاد الطالبين الى السادة النسايين
إسلام أبي طالب بحساب الجمل
ترجمة الشريف الرضى
ترجمة قطب الدين الراوندى
ترجمة على بن محمد بن الخزاز القمى صاحب كفاية الأثر
ترجمة الفاضل المقداد
ترجمة الشيخ البهائى
ترجمة الشيخ حسن ابن الشهيد الثانى صاحب المعالم
ترجمة الشيخ حسين بن عبد الصمد والد الشيخ البهائى
ترجمة السيد على بن عبد الكريم النبلى النجفى
الفضائل المنتخبه عن الأمالى الصدوق
أثمار الأوراق
الكنى والألقاب للشيعه ذوى الألباب
الرواة السيدات والسادات من ذرية سيد الكائنات

- مستدرک الذریعة الى تصانیف الشيعة أهديته الى السيد عزيز الله الطباطبائي رحمته الله
مستدرک الكشف والإيضاح
الحواشی على أعلام الزركلی
الحواشی على عمدة الطالب الكبرى
تطبيق السفينة على البحار الجديدة، لم يتم
شرح أسماء الله الحسنى
شرح أسماء النبی وألقابه
شرح أسماء وألقاب أميرالمؤمنين عليه السلام
نبذة من كلمات أميرالمؤمنين عليه السلام
الكلام حول صحيح البخاری
الكلام حول البخاری و مسلم بن الحجاج و عبد الله بن عمر بن الخطاب و عبد الله بن عمرو
العاص و ابی الهريرة و كعب الأخبار
الكلام حول الآية «إنما وليكم الله ورسوله...» سورة مائده آیه ۵۵
رسالة فى تقدم أميرالمؤمنين عليه السلام على الكل غير ابن عمه النبی صلى الله عليه وآله
تفسير سورة الحمد و آية الكرسي
شرح مناقضات الإسكافى فى ردّه على عثمانية الجاحظ
رسالة فى رؤية الشيخ المفيد عليه الرحمة عمر بن الخطاب فى المنام
رسالة فى معنى الصلوات على النبی وآله و عترته و معناهما
أقوال الأئمة و شرحها
تفسير ثقة الإسلام الكليني المستخرجة من الكافى
الإشراف على مسانيد الأشراف
تحقيق و تعليق كفاية الأثر الخراز [چاپ شده]
تحقيق و تعليق نضد القواعد لفاضل المقداد [چاپ شده]
تحقيق و تعليق منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغة للقطب الراوندى [چاپ شده]
تحقيق و تعليق تنقيح الرائع لمختصر الشرايع للفاضل المقداد [چاپ شده]
تحقيق و تعليق منتخب الأنوار المضيئة للسيد على النيلي النجفى [چاپ شده]

تحقيق وتعليق عمدة الكبرى لسيد ابن عنبه [چاپ شده]

تحقيق وتعليق وصول الأختيار الى اصول الأخبار لشيخ حسين بن عبد الصمد [چاپ شده]

تحقيق وتعليق الإثنى عشرية للشيخ حسن بن الشهيد [چاپ شده]

تحقيق وتعليق حاشية الشيخ البهائي على الإثنى عشرية للشيخ حسن المذكور

تحقيق وتعليق الهلالية للشيخ البهائي

البدريون مع علي عليه السلام بصقين. [چاپ شده]

النص بإمامة أمير المؤمنين عليه السلام علي بن ابي طالب من مجمل الكتاب

أساتيده في الفقه و الأصول:

الآية السيد حسين المشتهر بحاج آقا حسين البروجردى، الآية الحاج السيد روح الله الخمينى، الآية الحجّة السيد الشهاب الدين المرعشى، الآية الحجّة السيد محمدرضا الكلپايكانى، الآية الشيخ محمد مجاهدى التبريزى، الآية السيد محمد باقر البروجردى الشهير بالسلطانى، الآية الشيخ عباسعلى الشاهرودى، الآية المفسّر الكبير السيد محمد حسين القاضى التبريزى المعروف بالطباطبائى، الآية السيد ابراهيم العلوى (المقبره) الخوئى، الآية السيد حسن الحجّة، الآية السيد محسن الحجّة، الحجّة الحاج شيخ جابر الفاضلى الخوئى، الحجّة الحاج شيخ على المجتهدى الخوئى، الحجّة الزاهد الشيخ حبيب الفياضى الخوئى والشيخ احمد كافى الملكى رسائل ومكاسب، شيخ عبدالرحيم المدرّس التبريزى رسائل وكلام، الشيخ صادق الخوئى قوانين و رسائل، شيخ ابو الفتح الخوئى حاشيه ومعالم، الحاج مير على محدث الربانى مطول. و العالم الفاضل الأورع الثقة السيد عبدالرسول بن عبدالله الكوه كمرى قدّس الله اسراره الزكية قرأت عليه كتاب الله الكريم ومقدمات العلوم إلى شرح الصمدية للشيخ البهائي.

مشايخ الإجازات

الآية السيد محسن الحكيم النجفى، الآية السيد أبو القاسم الخوئى النجفى، الآية السيد شهاب الدين المرعشى النجفى، الآية السيد حسن الحجّة الكوه كمرى، الآية الشيخ نصرالله الشبستري، الآية السيد محمد المعروف بالوحيد الشبستري، السيد مصطفى الخوانسارى، الشيخ محمد تقى البهجت.

بسم اللہ الرحمن الرحیم

السید عبد اللطیف من السید علی اکبر بن السید جلیل بن السید حسین بن السید صادق بن السید علی بن
 السید رحیم بن السید علی بن السید حسین المدفون بکوه کر صاحب القبة والزار بها
 بنسبها نسبه الی الحسن الافطس ابن علی الاصغر بن سیدنا الامام السجادین العابدین
 علی بن ابی طالب الشہید العلوی کسین الافطس الملقب بالقرشی المکوکی المولود بها
 ۱۴ صفر الحیر سنة ۱۳۵۰ هـ فخذ القرآن المجید وادخل العلوم اللادبیه
 من العالم الجلیل الفقیه السید رسول بن السید عبد اللہ الکوہ کرمی قدس سرہ ^{الشریف}
 ثم سافر مع والده رحمة الله تعالى الی مکه خوی ونزل بمدرسة النمازی
 واقام بها سنین مستغنیة عن العلماء الاعاظم وَاخذ من الکاتبین ثم رجع الی
 بلدته قم الشرفه عش آل محمد صلوات الله علیهم لانه بعثته فاطمة المعصومه کرمه
 آل البیت راجیا من الله تعالى ان یکفله من خدام آثار آل بیت العظمی والکرامه
 اهل الشرف والکرامه فانه خیر محب . تالیفہ :

اخبر امام الامم الطاهرين فاطمة میده ف العالمین . اخبار آمنه بنت
 ورسول الله صلی الله علیه وآله ، اخبار عبد الله بن عبد المطلب والذین صلوا الله
 اخبار ابي طالب وارشاد ايمانہ . اخبار فاطمة بنت اسم ام المؤمنین
 وانه اول من آمن بکوال الله صلی الله علیه وآله . اخبار الزبير بن عبد المطلب هم
 النبي صلی الله علیه وآله . اخبار عبد الله بن الزبير بن عبد المطلب ، اخبار
 ابي سفيان

سنجه (۶۱) تقریظی از شیخ عبدالنبی قزوینی

متن زیر تقریظ شیخ عبدالنبی قزوینی یزدی بر کتاب مرآة الأزمان اثر محمد بن محمد زمان کاشانی (درگذشته پس از ۱۱۷۲ق) است. وی با تالیف کتاب تتمیم أمل الآمل شهرت دارد و چند تقریظ بر کتابها نگاشته که نظر به اهمیت آنها علامه شیخ آقابزرگ تهرانی در طبقات آنها را ذکر کرده است:

«... و للمترجم له تقریظ علی (مرآة الأزمان) تاریخه سنة ۱۲۶۲ هـ صرح فيه بأنه نزیل خراسان و مدرس فی قرية کاخک. و تقریظ علی (الشفافی أخبار آل المصطفی) للتبریزی تاریخه سنة ۱۲۸۲ هـ و صرح هناك باسم والده، وله تقریظ علی (مشکاة المصابیح) أو (مشکاة الهدایة) للسید بحر العلوم سنة ۱۱۹۷ هـ»

این تقریظ در پایان نسخه خطی مرآة الأزمان، نسخه شماره ۱۹۶۶ (فهرست مجلس ج ۵ ص ۴۶۷-۴۶۸) تحریر شده است. در آغاز نسخه چنین نوشته شده است: «هذه الرسالة وما يتلوها مما علقه للفاضل الكامل المحقق المدقق الفقيه المتكلم الحكيم الرباني الحاج الشيخ محمد بن المرحوم الحاج محمد زمان الكاشاني اعلى الله مقامه ...»

نسخه یاد شده به خط نسخ محمد حسین بن محمد علی در تاریخ ۱۱۷۲ق (زمان حیات مولف مرآة الأزمان) قلمی شده است. این کتاب به تصحیح دکتر مهدی دهباشی (تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱) منتشر شده و این تقریظ از قلم اقتاده است. در این تقریظ آگاهی تاریخی از سفر و زندگی این عالم و همراهی او با شیخ محمد مکی (از نوادگان شهید اول) و جزآن ثبت شده است. در آغاز متن نام کتب شماری از فقها مانند محقق حلی و شهید اول و ثانی به شیوه بראعت استهلال گنجانده شده است.

«متن تقریظ شیخ عبدالنبی قزوینی»

صورة ما كتبه بعض اهل التحقيق من الفضلاء الى المصنّف المحقّق و مولانا المؤلف المدقّق

أحسن الله احواله و أنجح بالخير آماله

بسم الله الرحمن الرحيم

يعرض الفقير الضئيل و الحقيير الذليل و كسير العليل الى المولى الجليل و الاولى التّيبيل و الاخرى بالتبجيل كشاف معضلات المتشابهات بانوار التنزيل و مبين الباب الغامضات بتيسر

التأويل و شافي غليل الصدور بإحقاق الحقّ و مجري سفينة التجارة الى ساحل القصد الى التهجّج
الصدق معطى شفاء القلوب بالاشارات النائرة و مؤتى هداية النفوس بالتلويحات الباهره مثبت
قواعد الشرايع بتسليك القوم مسالك الأفهام و مروج دروس الشرح بتيسين مدارك الأحكام
ممهّد مختصر الأصول بتهذيب الفرايد و مبلّغ طالبيه الى العدة و العوائد و بالجملة ذرة تاج
الأفاضل فى علوم الأواخر و الأوائل و ملجأ الدوانى و القوّاص من أمثال الأكمال أعني المولى
الأعبد الممجد - أبّد الله معاليه و أيده لتحصيل ما يرضيه - أن هذا القاصر المتقاصر و العاجز عن
متياسر لكلّ متماين و متياسر قد كان قديماً من الزّمان و متقادماً من الأوان منسلكاً فى زمرة
عبيدكم المخلصين و منتظماً فى سلك محبّيكم المتخصّصين عن الغيبة الخاليه عن الرّياء و العالیه
عن الامترآء الى ان أكد الله اخلاصى فى محبتكم و اختصاصى فى خدمتكم بمطالعة كتاب مرآة
الأزمان فى ترويج ما عليه قائم البرهان من القول بالزمان الموهوم المقطوع به عند أرباب الفهوم فو
الله قد رزقت بتشرّفى بمطالعتة كمال الحبور و السرور و رفع عنيّ به ما أصابني من الشور من
مكايدة هذا الدهر العنود و مجاهدة الأقوم الحسود و لقد رأيت ذلك من النباهة بحيث لا يشق
عبارة و بمنظر من الجزالة بحيث لا يحلق شأؤه و العمريّ إنه قد بلغ الغاية و تجاوز النهاية فى تبين
مقاصده و تحقيق مراصده و دفع تأثيرى من الشبهة و الشكوك على القول الذى هو التبر
المسكوك،

فجزاكم الله عن الحقّ و أهله خيراً و أعطاكم فى فضله و لطفه كثيراً و ليس اطرائى فى مدحي
للكتابكم لقصورى عن البلوغ الدقايق و تقاصرى عن الوصول الى الحقايق كما هو دأب ارباب
السطوح و من ليس له الفوز بدقائق العلوم و الفلوح، بل لارجاعي النظر فيه كرة بعد أخرى و
تدقيقي التأمّل فيه أخرى بعد أولى و لئن ساعدني التوفيق و ققني و لى الهداية و التحقيق لتعليق
حواش عليه يتمنّى ما هو كالشرح لديه بإبراز ما أجمل فيه و دفع ما يخيل من الإيراد عليه ففعلت
ذلك إبتغاء لوجه الله الكريم و طلباً لفضله الجسيم؛ لكونه مبيّناً لنير الحقّ و معّ الصدق و مطابقاً
لما جاء به الخبر الصادع بالحقّ و لئن لم يرد فى الشرع الأنور و النهج الأزهران المضیع لعياله
ملعون و من لم يكن كاداً لهم مطعون لتشرّفت فى خدمة عاليجناب المنزّه المقدم و الفاضل
المعظم المكرّم الشيخ المقدس المجيد الشيخ مكي من سلالة الشهيد الى خدمتكم السامية و
حضرتكم العالیه فكنت مقتظفاً للثمار من أكامها و مجتياً للزاهرات بتمامها لكنّ كما عرضت
بخدمتكم الدهر غير مساعد و ايامى عن خدمتكم مباعد و قد إطلع الشيخ الأعبد المشار إليه على

حالي وبعد عرضه اياها إلى خدمتكم أتمس منكم الدعاء لبلوغي الى مقصدي والمنا والذي وصل منه كتابكم الیّ وشرفني بخطابكم لدىّ هو الأخ الأعز الدراج الى مدارج المعالي الحاج عبد الباقي - حفظه الله من كل شيء ووصله بما يقربه العين - وهو مشغول بالدعاء لجنابكم العالي والزيارة عن جنابكم السامي في بقعة يفتخر بها مكة ومنى ويسرّها الأرض والسماء نسأل الله بلوغنا وإياكم الى ذلك المنزل وجعله لكم ولنا خير مؤول والسلام عليكم ورحمة الله بركاته.

محبّكم المخلص عبد النبي بن محمد تقي القزويني نزيل خراسان لتدريس مدرسة في قرية يقال لها كاخك من اعمال جنابد .

الحاج الشيخ محمد

صورة ما كتبه بعض من التحقيق من الفضلاء، لا يفتقر الى
 و هو كما المؤلف المدقق احسن الله احواله والحمد لله
 بسم الله الرحمن الرحيم
 بعرض العنقير بضيل وحقيرة النسيب وكتيبة العليل الى الولي
 ابيك والاولى النسيب والاحقر التجبيل كنه في معصك
 المتشابهات بانوار التبرير وحبس الباب العاصم
 يتبيل التاويل ورس في غيبيل الله ورجحان الحق و
 بحر سقينة النجاة لا سهل العنصر مع نبع الصدق تعطي
 شفا العذب بالاشارة النازة وقرآنا هادي القوس
 بالذكوات الباهرة تمسقت قواعد اشهر اربع بسلك العزم
 مسلك الاقدام وقرآنا وروس الشرح مبين سلك الحكم
 محمد محقق الاصول تهذيب الغرايد وبتسعة طائفة
 لا العدة والعمارة وبالجملة ورة نوح الاقضية علوم الاواخر

الشيخ

والا وايد قلبا الدواني والعنصر من انشاق الاكام على الكوا
 الاله المجد ابدانه معالسه وايد له محصله بربنيه ان هذا
 العنصر المقاصد والعابر عن الياسر لكل تيمم ورياسة قد
 كان مدينا من الزمان ومقتدا من الاوان مختلفا في نزوة عبيدكم
 المخلصين تسطفا في سلمت عبيدكم لمختصين من الغيبة الحاشية
 من ارياء والعلية عن الامراء الى الامراء اعلانه في محبتكم و
 اخصاصه في خدمتكم عطا لعد كتاب مرارة الارمان في ترويج
 اعيان قائم البرهان من العزل بالان الموموم المقطوع بعينه
 ارباب العنوم قرآنا قرزنت خبر من عطا لعدت كمال الخور
 واهل رورين عشرتها اصابتها في الشور من محابة هذا الدهر العزود
 وجاهدة الاقوام محسود ولقد ربيت ذلكم في البائة بحيث
 لا يرضى عبارته وبتنظر من اجازة بحيث لا يرضى مشاوه وكلمه ارادة
 قد علم الغاية وكجاذبه النهاية في تبين مقاصده وبتحقق خبره
 ووقع ان في الشبه وبتنوك من احوال القوم كالنير المسكوك

تقريظ شيخ عبدالنبي قزويني

بقرآنم الله عز وجل وادبنا بجزاهم من فضلهم وفضلهم كثر اذ ليس
 الاطراف في مدعى كتابكم لتعصروا عن بلوغ الدنيا من دفعنا عن
 الرسول في المحامير كما هو دأب ارباب السطوح وهم ليسوا بالعدو
 برقائق العلوم والعلوم بل ارباب النظر في كراته بواجب وشرقي
 القامد في اخر عهد اولي ولكن سد في التوثيق ووضعت في
 العمارة والتعمير لتعيق حشيشه بغيره يمتنع ما هو كالشجر للرب
 باراز ما اصل فيه وفتح ما يحيل من الاراد عليه تعقبت وكره انما
 لوجه الله الكريم وحقنا لفضله الجسيم كقوله سبحانه لئن لم يرد في الشرع
 ومطابقه لما احبنا به اجرة الصانع المثل ولكن لم يرد في الشرع
 الا لوزر والنتيج الا زهر المضيغ اعيا ليعلمون وقرئتم كما انهم
 مطعون لتشرقوا في حذرة عالجنا المنزلة لمقدم وقرئتم
 المعظم المكرم الشيخ المقدس الجليل الشيخ علي بن سلاطون شهيد
 ضدكم استامير وخصركم العالمة فقلت تخطفتا للشارع الاها
 ورجعنا لا تفرات بماها كلكم كاذم من كذبكم الله عز وجل
 واما عن من كتبكم سابعه وقد اطلع الشيخ الاقوال المشايخ اليه

وبعد عونه لا يا اخوتكم بتمسكم الله تعالى بل هو كالتصدي و
 المنا والذو وصل من كتابكم الى دونه فمن حفظكم لدره من الاخ
 الاخر الدارج لا مندارج المنة الحاج عبد الباقي حفظ الله من كل
 شيئا او صلح به بغيره لهين ويزنقول بالبعار الجناكم الله والارادة
 شرح كتابكم استمر في بقتة يعنى بها ملكة مؤز وستر بها بالارادة
 والسنة السئل الله برفقا واماكم لا ذلك المزل وجهكم ولنا
 خير من اول استم عليكم وقرئتم
 شيخنا الميرزا محمد باقر
 شيخنا الميرزا محمد باقر
 شيخنا الميرزا محمد باقر

تقریظ شیخ عبدالنبی قزوینی

سنجه (۶۲) برگی از کتاب نورالائمه

کتاب نورالائمه قدیمی ترین منبع کتاب روضة الشهداء اثر ملاحسین کاشفی (درگذشته ۹۱۰ق) است. در آن کتاب بارها از کتاب مقتل نورالائمه اثر ابوالمؤید خوارزمی یاد شده است. اثری با این نام در کتب فهرستی و کتابشناسی نیامده است. از متن و استنادهای کتاب روضة الشهداء برمی آید که تمام این کتاب یا بخشی از آن در موضوع مقتل حضرت سید الشهداء علیه السلام است. کاشفی ایاتی از مرثیه های خوارزمی و ترجمه رجزهای اصحاب حضرت سید الشهداء علیهم السلام را از کتب نورالائمه آورده است. برخی استنادهای آن چنین است:

در مقتل نورالائمه خوارزمی آورده که ... (ص ۱۰۰)

خوارزمی در مقتل نورالائمه خود آورده که ... (ص ۲۳۰)

نورالائمه دوسه بیتی از ترجمه رجز او آورده ... (ص ۲۹۹)

رجزی آغاز کرد نورالائمه آورده که ترجمه رجز او این است (ص ۳۱۵)

شاهزاده رجزی در مناقب خود و اهل بیت میخواند که ترجمه بعضی از آن در مقتل نورالائمه

خوارزمی بر این منوال است ... (ص ۳۳۷)

احمد بن تاج الدین حسن بن سیف الدین استرآبادی (قرن ۱۰) در کتاب آثار احمدی نیز از این کتاب یاد کرده و در روایت در منزلت أمير المؤمنين علیه السلام به این شرح آورده است: «... تسلیم نمودن جناب پیغمبر صلی الله علیه و آله سوره برائت را به ابی بکر و به مکه فرستادن و باز به موجب فرموده الهی از او بازگرفتن و به حضرت علی مرتضی تسلیم نمودن تا بر معاندان مکه بخواند... نورالائمه آورده که ابی بکر در منزلی بود و بعد از صبح نماز کرد و به راه درآمد. اتفاقاً علی علیه السلام نیز بسرعت رانده شب به گوشه ای به سربرد و بعد از ادای سنت و فرض سوار گردید و در آن تاریکی صبح می راند. فلما اضاء الصبح فرق بینهما چون صبح به صباح انجامید و آفتاب از افق خود طالع گردید، آواز ناقه رسول به گوش ابابکر رسید...» (ص ۳۳۶)

« خاتمة الكتاب در ذکر خلافت اصحاب علی سبیل الاجمال بعد از واقعه پیغمبر و شمه ای

از احوال فرخنده مآل ائمه اثنی عشر علیهم السلام ... نورالائمه آورده که روز دیگری ابی بکر برخاست و به خانه علی علیه السلام رفت و بعد از عذر خواهی بسیار گفت: معارف رسول صلی الله علیه و آله به من بیعت نمودند و

من ای علی به حضرت تو آمده‌ام و معاونت و نصرت از تو می‌طلبم، اگر اجابت دعوتم کنی مهم خلافت به اتمام می‌رسد و اگر مخالفت نمایی و دعوی خلافت فرمایی می‌تواند بود که چون یار و مدد کار چندان» (ص ۳۹۳)

کتاب دیگری نیز به این نام تألیف شده به زبان عربی که نویسنده آن از علمای اهل سنت و در آن حقایق ناب در حقانیت تشیع آمده است. با جستجوی در منابع چنین کتابی دیده نشده و مؤلف آن نیز شناخته نشد.

چگونگی این کتاب روشن نیست: این دو کتاب وابسته به یک نویسنده است؟ یا نورالائمه شهرت دو کتاب است؟ این کتاب چند مجلد است؟ یا کیفیت تألیف آن چگونه است؟ پاسخ به این پرسش‌ها نیاز به به قرائن و پیداشدن نسخه‌های این آثار است.

احتمال می‌رود نورالائمه مانند «عین الائمة؛ ابوالحسن علی بن احمد الکرباسی الخوارزمی» (مقتل خوارزمی ج ۲ ص ۸۷) و «مجد الائمة؛ السرخسکی» (مقتل خوارزمی ج ۲ ص ۷۳) و «فخر الائمة؛ ابوالفضل بن عبدالرحمن الحفربندی» (مقتل خوارزمی ج ۱ ص ۱۴۴) و «صدرالائمه؛ ابوالمؤید محمد بن احمد خوارزمی، مؤلف مناقب و مقتل خوارزمی» لقب یکی از علما باشد.

نکته‌ای که بدست آمد استناد به آن در نسخه خطی کتاب مناظره، نسخه شماره ۱۱۳۰۱ (کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، فهرست کتابخانه ج ۲۸ ص ۴۵۶-۴۵۷) است.

این اثر متن مناظره ایست که یک عالم شیعی از خاندان آل عصفور با یک عالم سنی بنام شیخ محمد شامی عدسانی انجام داده است.

عالم شیعی در هنگام بازگشت از زیارت عتبات عالیات در نزدیکی شهر بصره با این عالم اهل شام که برای جمع آوری اموال وقف به بصره آمده بود، روبرو شده و این مناظره ارزشمند روی داده است. احتمال می‌رود این مناظره در نیمه اول قرن سیزدهم انجام شده باشد. در این بحث عالم شیعی به متن کتاب نورالائمه استناد جسته و صفحاتی از آن را بازگفته است. از این رویدی از کتاب یاد شده را بایست در بحرین و پیرامون آن جست.

آغاز این نسخه چنین است:

«بسمله، الحمد لله الذی ظهر دینه بنبیّه و نصر نبیه بولیّه و أبد ولیّه بعترته و اختص ذریته بشیعته و الصلاة الكاملة الوافرة و الدعوات الفاضلة الفاخرة تخصّ المخصوص بالکرامة و المجتبی

السادة والزعامة ... وبعد فإني لما انكفت من سفر العتبات العاليات ورجعت من زيارت الأئمة الهداة سنة [تاريخ سفر نانوشتته مانده است] من هجرة أشرف المخلوقات وأفضل البريات حللت حتى هاتيک السفر بمعمورة البصرة فاجتمعت فيها ببعض الأصدقاء وإخوان الصفا فطلب مني تلبية صوته والميتر الى بيته وكان منزله على بريد من البصرة والمدينة النزة والنصرة كان من فاق أمثاله كرمًا خول وفادة نعمًا، غير أن كسبه مغائرًا لمكسبي وومذهبه خلاف مذهبي، فلم يكن لي بدّ من اجابة دعوته وابلغ طلبته فضيت الى بلده وقصدته في مقرّه ومعهده فصادفت عنده من اللطف والكرامة ما تبلغ القلب مرامه فيبيننا أنا في أتمّ البهجة والسرور وأطيب العيش الحبور، إذ جائه رسول مخبر وقاصد مبشّر فاستحفا السؤال واستخبره الحال، فأخبر أنه رسول من جانب الأوحى الأفاضل الأجد الشيخ محمد الشامي الشهير بالعدساني الذي ليس له في عصرنا ثاني وأنه قد أقبل الديار الشامية لقبض الأوقاف البصرية وأنه قد حلّ قريباً من ساحتكم راجياً لبركم وسماحتكم فعجل القوم الى استقباله والتقىء بظلاله وسعدوا بلثم يديه وفازوا بتقبيل كفيه... فقلت له يا شيخنا النجاة في الصدق والحق بالإتباع أحقّ إني عصفوري النسب تفضيلي المذهب ...

انجام: السكوت عن صحيحه وزيفه وسابقه ومحدثه ثم إنقطع الكلام وقام فهذا صوت السؤال والجواب وكيفية المباحثة والخطاب اللهم اجعلنا من الذين آخردعوانا فيها سلام و الحمد لله رب العالمين.

صفحتي كه در آن از نور الأئمة ياد شده، چنین است:

«... وقد نسب لسيدنا عمر ما قد سمعت فذكروه لكون ذلك عادة لهم ولكن الشيعة خذهم الله لعدوانهم لشيخين تشنّعوا عليهما بهذا ومثله.
قلت: صدقت يا شيخنا إنا قلنا لهم أنكم قوم خصمون فأوقفونا في بعض كتب نور الأئمة على كلام له يعضد مقالهم وتقوى استدلالهم وهو هذا؛ قد حفظت منه ورأيت في كتاب نور الأئمة بعيني وهذه صورته:

لما جرى في الصحابة ما جرى وخدع بهم عامّة الوري وغلب على الأمر الأولون وإشتمبه الحقّ على الآخرين وأعرض الناس عن الثقلين وتاهوا في بيداء ضلالتهم عن النجدين الآ شرذمة من المؤمنين فكثوا على ذلك سنين فهم (في غمّرتهم حتى حين) (سوره مؤمنون آيه ٥٤) ثمّ تسافل الأمر الى أن تقمّصها علوج بنى أمية الشاربون الخمور، المانون بالنجود؟

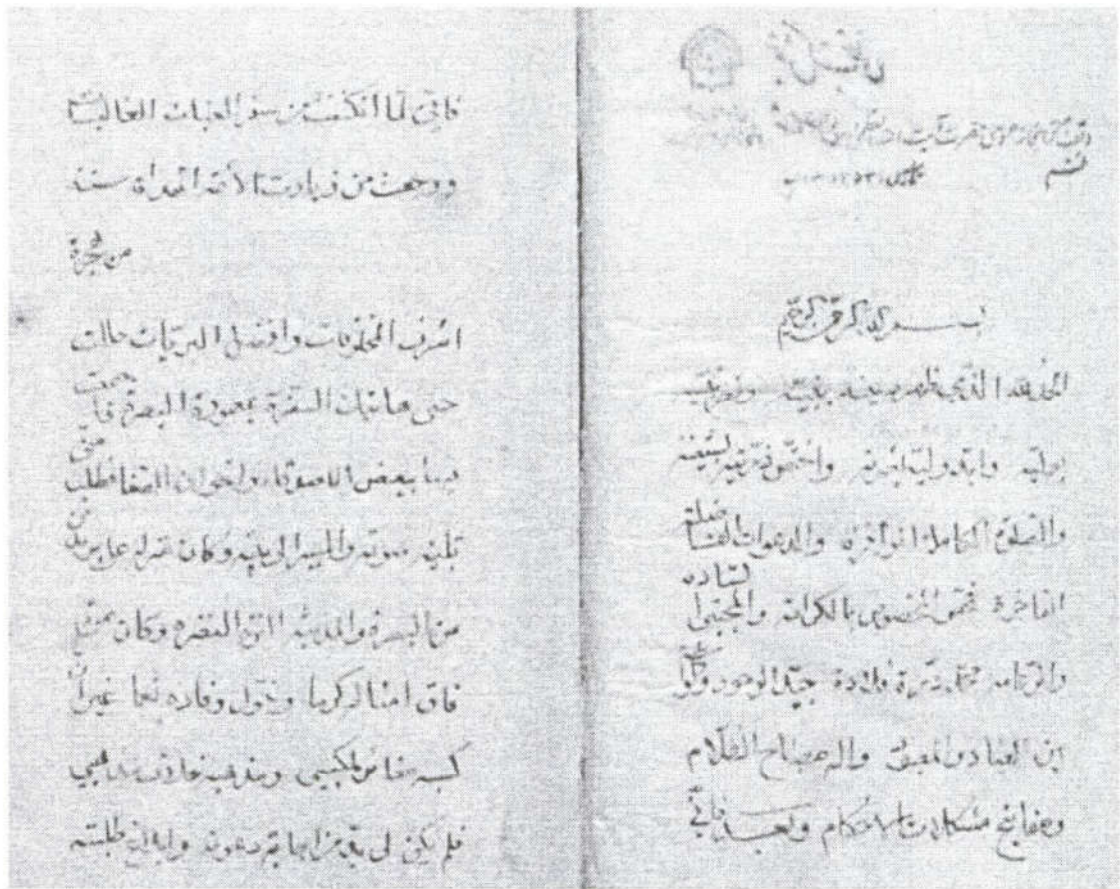
المستحلون للبس الحرير ولعب الطنابير فقاتلوا ذرية المصطفى وشرعوا سب المرتضى ثم تلقاها بنو العباس فسلكوا مسالك اولئك الارجاس أخذوها بسيف الخراساني كما أخذها الأول بفضاحة الثاني وكان العلم في هذه المدة الطويلة مكتوماً وحامله مظلوماً ثم خلف من بعدهم خلف غير عارفين بالولاية ولا ناصيين العداوة لم يدروا بما صنعوا ولا من أخذوا فعمدوا الى طائفة حمارين من أهل الاهوى وقوم مرأئين من الجهلاء زعموا انهم هم من العلماء يستنبطون أحكام دينهم بالآراء فكانوا اذا نزلت بهم حادثة خاضوا في استنباط الحكم فيها بالرأى من اصول وضعوها وقواعد استسوها وبالجملة أنهم غمضوا العينين ورفضوا الثقلين وأبدعوا في العقائد بدعاً وتفرقوا شيعاً وإخترعوا في الأحكام اشياء لم يرد بها اذن من العلام فزادوا ونقصوا في التكاليف وصنفوا فيها تصانيف حتى خيف على بيضة الإسلام لقولهم بإنسداد باب الأحكام فمنعتهم أممهم من الإجتهد خوفاً من الشنعة وحصروا الإجتهد في أربعة وله هذا ومثله كلام تركنا ذكره خوفاً الإطالة.

فقالوا لنا: أليس هذا الرجل من العلماء الكبار والفقهاء الأخيار؟ قلنا: بلى فقالوا فهذا اعترافه بجدائته مذهب السنة والجماعة وأنه مخترع عن آراء بايرة وعقول حائرة فكيف قتلتم الدم ووسعتم الكلمة وطعنتم على مذهب الشيعة وغفلتم عن هذه الشيعة وقول الشاعر الماهر حيث يقول :

لا تنه عن خلق وتأتى مثله
عار عليك إذا فعلت عظيم^١

فاسكتوا عن الجواب والزمونا بالحجة من كل باب ...





آغاز کتاب مناظره، نسخه شماره ۱۱۳۰۱

کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله

ولا من احتدوا بعدوا الى سائفة ما رين من اهل
 الاصول و قوم مابين من الجلا و هم انتم هذا
 يشبهون الحكم بينهم بالاول و تكلموا اذا تزلت
 حادته فما قول في استنباط الحكم فيها بالحق من
 و شعورها و قولها استورها و بالجد انتم مفصل
 العيين و رفقوا النكول و دعوا في العقا
 بدعا و فرقا شيعا و اخر جمل في الاحكام شيئا
 لم يرب به الاذن من الملائم فرائد و تفصلا في
 الذكاييف و يستعمل فيها نصا بيضا من حيف
 بيضا الاسلام لتولجهم بالاسد و بالجملة احكام
 فتمسكهم من الاجتهاد و توكوا من الشفعة و
 وقت ان لا يكون صرت ريب و انهم من الحق
 قسم

و حسوا الا جتباد قول ريبه و له في هذا و مثله
 كلام من كان ذكره خوفا لا طائفة الا لوالنا ليس
 الرقيب من العلي و المكاب و انفقنا و لا خيار فلنا
 بلا لقا لوالنا فعلا غير انما بعد ان قد هب الشفة و
 و انما يخرج عن اولها برة و عسول حابر فكيف
 قلتم القدم و وسعتم الظم و جعلتم علمنا من
 و فقلتم عن هذه الشفعة و قول المشاعر
 الما من حيث يقول لا شدة عن خلق و با في مثله
 عاد عليلك انا فعلت عظيم فما سكونا عن المور
 و الزمونا بالحجة من كل باب قلنا صاوا بحجاب
 و ردوا اولنا لثنا لوالنا فاننا لم تشا صغرنا

ادامه متن كتاب نور الأئمة

سنجه (۶۳) زندگی نامه خودنوشت سید نورالدین امام جزائری

این زندگی نامه خود نوشت در کتاب «شجره طیبه» اثر آیت الله سید نورالدین امام جزائری آمده است. علامه تهرانی در وصف این عالم چنین نوشته بود:

السید نورالدین الإمام التستری... - ۱۳۶۴: هو السید نورالدین بن السید محمد شریف بن السید محمد [الموسوی] الإمام الجزائری التستری؛ فاضل ماهر معاصر له: تاریخ خوزستان (۲۵۲۵: ۳ رقم ۹۳۵) فی ثلاث مجلدات. سمی الثالث بالشجرة الطیبة؛ لأنه فی أحوال جدّه المحدث الجزائری وسایر أنجاله وأحفاده إلى الیوم، وهو مجلد کبیر.

[توفی سنة ۱۳۶۴ كما صرح به المؤلف فی الذریعة ۱۳: ۳۵ رقم ۱۱۷]

مرحوم مشار^۱ به نقل از مقدمه کتاب تاریخ و جغرافیای خوزستان در زندگی این عالم وارسته نوشته است: در اول محرم سال ۱۳۱۷ ق در شوشتر متولد شده. پس از تحصیل زبان و ادبیات فارسی و اخذ علوم مقدماتی از برخی اساتید به فراگرفتن فقه و اصول و کلام پرداخت.

چندی بعد به عراق رهسپار شد و به ادامه تحصیل پرداخته و به اخذ اجازه اجتهاد نائل آمد. پس از آن به شوشتر بازگشت، در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۴ ش درگذشت...^۲

نسخه خطی کتاب شجره طیبه در کتابخانه آیت الله سید محمد تقی حکیم در تهران به شماره ۳۷ موجود است. کتاب یاد شده در تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۵۲ ق در شوشتر تألیف شده و در ۱۵ شعبان ۱۳۷۵ برابر هشتم اسفند ۱۳۳۴ شمسی به قلم سید محمد تقی حکیم از روی نسخه سید حسین نبوی در اهواز کتابت شده است.

علامه تهرانی در الذریعه ج ۱۳ ص ۳۵ در معرفی این کتاب نوشته است: «الشجرة الطیبة فی ترجمه السید نعمة الله الجزائری وأولاده، للسید نورالدین الإمام المتوفی فی سنة ۱۳۶۴ هـ رتبه علی مقدمه واثني عشر فصلا و خاتمة، وترجم فیه نفسه و ذکر تصانیفه فمها (تاریخ خوزستان) الموسوم ب (خوزستان نامه) و جعل هذا الكتاب ثالث مجلداته، ویأتی (الشجرة النورية) فی هذا الموضوع.»

فصول این کتاب عبارتند از:

۱ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون؛ ج ۶؛ ص ۶۴۷

۲ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون؛ ج ۶؛ ص ۶۴۷

- فصل اول: در شرح زندگانی علامه سید نعمت الله جزائری قدس سره
فصل دوم: در تراجم سید نورالدین اول و پسرانش
فصل سوم: در ترجمه سید علماء الأئمة آقا سید عبد الله بزرگ طاب ثراه
فصل چهارم: خانواده شیخ الاسلام - سادات ملائکه
فصل پنجم: سادات معلّم - خاندان امام جمعه
فصل ششم: خاندان سید عبدالهادی - خانواده سید بهاء الدین
فصل هفتم: اولاد سید عبدالرحیم - سید عبدالمهدی - سید ابوتراب - سید محمد امین
فصل هشتم: خاندان سید علی اکبر
فصل نهم: خانواده سید عبدالسلام
فصل دهم: در شرح اولاد و اعقاب سید محمد ابن نورالدین
فصل یازدهم: در تراجم اعقاب سید مرتضی بن نورالدین
فصل دوازدهم: اولاد سید طالب اولاد سید رضی
خاتمه: خاندان سید زین الدین جزائری - خانواده میرسید علی جزائری
نظریه اهمیت این کتاب بزرگانی چون آیت الله محمد کاظم شیرازی و شیخ آقابزرگ تهرانی و
سید محمد مهدی موسوی اصفهانی (نویسنده احسن الودیعہ)، آیت الله العظمی
سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بر آن تقریظ نوشته اند که بدین شرح است:

تقریظ آیت الله شیخ محمد کاظم شیرازی

بسمه تعالی وله الحمد

لقد تصفّحت هذا الكتاب الكريم فألفيته حسن التأديتة سهل المنال قد جمع دقائق الأفكار و
حوى حسن الأراء لا يستغني عنها طالب هذا الفن و يحتاج الى الإطلاع عليها ارباب هذه
الصناعة فهي مثال أعلى الفكر ثاقب و رأى صائب و مقدرة علمية علوية و فطنة جيدة هاشمية
تشهد على ما ذكره دام علاه من أن العبقرية الوراثية و أن النسب له الأثر البليغ في الحسب و
الأدب فجدير بطلاب علم الأنساب أن يقتنوا هذا الكتاب المجيد الذي لا يأتيه الباطل و يشكرو
المؤلف على ما أسداه من الخدمة الجليلة لهذا الفن و على ما أبداه من الجهود فيه فإن شكر المنعم
واجب و نسئله تعالی عزّه أن يكلله بالنجاح و الفلاح و يوققه لمثل هذه المشاريع العلمية و أن
يرزقه آزاء عمله أفضل الحسنات و أكبر الخيرات فإنه تعالی خير من دعى و أحسن من إستجاب

وهو حسبنا ونعم الوكيل والسلام عليه وعلى كافة إخواني من المؤمنين ورحمة الله وبركاته نفعه
بيمنه الدائرة في العتبة العلوية على مشرفها الصلاة والتحية أقل الخليقة محمد كاظم الشيرازي.

تقريظ علامه شيخ آقابزرگ تهراني

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلاة على رسول الله وعلى آله حجج الله على خلق الله الى يوم لقاء الله و
بعد فيأتي قد سرحت رائد النظر حول هذه الروضة الغناء وسيّرت بنور البصر أوراق هذه
(الشجرة الطيبة) والدوحة الهاشمية العلياء التي أصلها ثابت وفرعها قد ترقى الى عنان السماء
فوجدتها أجل قدراً من التقريظ والأطراء ورايين أن ثنائي عليها ليس إلا كمدح الوُلؤ بالصفاء و
الشمس بالضياء حيث إنّها كالشمس الضاحية صحيفة بيضاء يحتي بها ذكرى السعداء ذوي
المجد القويم التالد والشرف القديم الخالد تتلى في كرا الدهور والأحقاب ويتضوّء منها الأحفاد و
الأعقاب قد ابدعها يراع العلم والعيلم ورّتب فصولها الأفضل الأعلم البحّثة الرحالة والمورّخ
التسابة فأعرضت عن التقريظ وأبدلت الثناء بالدعاء لمؤلفه المفيد المفيض السيّد السند الثقة
الأمين سراج الأمة ضياء الملة السيّد النورالدين الموسوي الجزائري التستري كثر الله تعالى في
حملي العلم أمثاله ونفع الله تعالى عباده بأقواله ووقفهم للإقتداء بأعماله والحمد لله رب العالمين
والصلاة على محمد وآله الطاهرين حرّره بيده الفانية العبد المسيء الجاني محمد المحسن بن
علي والمدعوّ بأقابزرگ الرازي الطهراني في ٢٧ ذي الحجة سنة ١٣٥٨.

تقريظ علامه سيد محمد مهدي موسوي اصفهاني

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على الصانع بالشرع المبين محمد خاتم المرسلين و
آله الأئمة الطاهرين وبعد فإن السيّد الأجل نور حدقة السيادة وفخر السادة القادة ومنبع الإفادة
نتيجة الفقهاء العظام وسلالة العلماء الأعلام صدر الأفاضل بدر الأماثل الباذل سعيه في
تشديد علوم أجداده الطاهرين والصارف عمره في سبيل علوم الدين الأخ في الله السيّد
نورالدين التستري نور الله قلبه وشرح صدره وأعلى ذكره وقدره وكثرفي العالم مثله ابن السيّد
الأجل العالم الأكمل السيّد محمد شريف بن السيّد الجليل الحاج السيّد محمد ابن العلم النبيل
السيّد حسين بن السيّد عبدالكريم بن السيّد محمد جواد ابن السيّد عبد الله الكبير ابن العلامة



المحدث السيد نعمة الله الموسوي الجزائري قدّست أسرارهم قد طلعتني على كتابه الشجرة الطيبة الموضوع لبيان أسرته الشريفة المحترمة والطائفة المكرمة المعظمة فرأيت خيراً ما ألف في هذا الموضوع قد أحاط مؤلفه علماً بظاهرة خافية لأن أهل البيت أدري بما فيه ومن أراد يعرف مقدار فضل مؤلفه ووفور إطلاعه وسعة باعه فلينظر إلى هذا المؤلف الشريف والمصنّف اللطيف فإنه أصدق شاهد عليه «سبوح لها منها عليها شواهد» نسئل الله أن يمده بمزيد التأييد والتسديد ويجعله خلفاً عن السلف من آبائه الماضين بمحمد وآله الطاهرين في ٢٦ محرم الحرام سنة ١٣٥٩ق خادم العلم والدين محمد مهدي الموسوي الإصفهاني الكاظمي عفى عنه

تقريظ آيت الله العظمى سيد محمد كاظم طباطبائي يزدى

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد وآله الطاهرين وبعد فإنّ مآثر الماضين وأن كثرت وتوفرت فإن حاجتها في تواصل البقاء ودوام الذكر ماسسة الى جهود الباقيين في تشابه الأحوال وتقييد شوارد ذكرياتهم ونضد عقود فضائلهم و هنالك يعتبر الجيل الحاضر بمساعي من غير منهم ومعاناتهم الألقاب ... مناجح الأمة واسداء الخير اليهم والمثابرة دون صالحهم فيقتدون بهم ويشكرونهم على ذلك الجميل الناجح ... المتواصل على إنّ ذكر المرء كأنه دوام حياته والخلف الصالح يحفظ لسلفه ذلك العمر الخالد والمجد الطريب التالد ولقد حظى العالم الشريف الفاضل البارح ركن الإسلام السيد نورالدين الشوشتري دام فضله بتلك الحسنات فألف هذا الكتاب وأعاد ذكرى سلفه الطاهر وأطلع لقومه من تلك الناحية أنجماً وبدوراً يهتدي بها ويستضاء بنورها كلّ ذلك على موضوع من الأهميّة البارزة في العلم والأدب والمذهب يعرفها أهل الفنّ ويقدرها الملم؟؟؟ بهاتيک المراتب فالمرجوّ إنّ شاء الله تعالى أنه سوف يأخذ الكتاب مأخذه من الرغبة لدى المؤمنين أجمع وعند الأفاضل خاصّة وإلى الله سبحانه نبتهل في التوفيق للسعي وراء صالح المسلمين ولما يحبّه ويرضاه الأحقر الطباطبائي.

متن زندگینامه خود نوشت

«... اما سید محمد اشرف ابن حاج سید محمد امام در حسن اخلاق و نیکی اطوار معروف و بتواضع و خوشی رفتار موصوف بود عموم طبقات از اقارب و اجانب از رفتارش خوشحال و بر وفاتش متأسف بودند تولدش در ۱۲۸۸ و وفاتش به سکنه در ۱۵ شعبان ۱۳۴۹ اتفاق افتاد.

اولاد ذکورش چهار نفرند ۱- سید نورالدین نگارنده این اوراق ۲- سید محمد علی که فاضلی شاعرست مقدمات ادبیات را نزد اینجانب تحصیل نموده و مدتی از محضر حاج شیخ محمد کاظم خالوی مؤلف که از علمای معروف خوزستان است استفاده منطق و معانی بیان کرده است. فعلاً او را پسری است سید محسن نام ۳- سید جلال الدین ۴- سید محمد.

اما شرح زندگانی نگارنده سید نورالدین امام: تولدم در شب بیست و چهارم ذی القعدة در شوشتر واقع شده است. مادرم بی بی ساره بیگم دختر مرحوم شیخ محمد علی فرزند حاج شیخ جعفر معروف است که از بطن حاجیه بی بی فاطمه سلطان دختر حاج سید محمد رضا (که در عصر خود ریاست سادات و علمای دزفول را داشت) به عمل آمده است. سواد فارسی را از عمه زاده ام، سید عبدالله امام زاده ابن سید ابراهیم تحصیل نموده ام، استاد خطم سید محمد تقی آل طیب و سید علی اصغر حکیم و ملا رجبعلی ابن ملا یوسف بوده است.

کتاب تصریف را نزد حاج ملا محمد کسمائی و الفیه را نزد سید محمد علی شیخ الاسلام و سیوطی و ابن ناظم و مغنی را نزد آقا سید محمد تقی شیخ الاسلام و مطول و حاشیه ملا عبدالله و شرح لمعه و معالم را نزد آقا سید بزرگ آل طیب و قوانین و تقریرات شیخ انصاری و شرح مطلع و شرح تجرید را نزد خالویم حاج شیخ محمد کاظم درس خوانده ام.

در ۱۳۳۵ سفری به دزفول نموده مقداری از رسائل را نزد آقا سید حسین مفید و شیخ عبدالحسین عاملی گذرانیدم. در سال ۱۳۳۷ به زیارت ائمه عراق مشرف شده و تا سال بعد مجاور بودم در ایام توقف نجف نزد شیخ محمد حسین رشتی و سید ابوالقاسم اشکوری به درس رسائل و کفایه و ریاض مشغول بودم و شبها به درس خارج سید محمد فیروزآبادی حاضر می شدم - و در ایام توقف کربلا به درس شیخ غلامحسین مرندی می رفتم و الهیات منظومه را با دقت تمام از محمد علی (هبة الدین) شهرستانی اخذ نمودم - سید مزبور منظومه ای به نام من شروع نمود و آن را «صحف مگرمه» نامید که خلاصه مباحث منقحه الهیات بود و با منظومه

سبزواری تفاوت بسیار داشت - در ۱۳۳۸ خوزستان مراجعت و در مدرسه جزائری ها به تدریس مشغول شدم.

سال ها در تاریخ و جغرافیا و ریاضیات و ادبیات فارسی و عربی و طبیعیات و سایر فنون دینیّه و اجتماعیّه مطالعه نموده ام که نتایج آن تالیف چند کتاب است:

۱- جغرافیای خوزستان

۲- تاریخ سیاسی خوزستان

۳- تاریخ علمی و ادبی خوزستان

که این سه کتاب «خوزستان نامه» را تشکیل می دهد.

۴- مجموعه در فنون مختلفه

۵- مسووده های عدیده در تفسیر و فقه و اصول و حدیث و اخلاق

و اکنون مراسه پسر است: سید جمال الدین، سید عبدالله، سید نعمت الله.



بعل آگه است - سرادفاری را از عهده زاده ام سید عبداللہام زاده ابن سید ابراهیم تحصیل نموده ام - استاد خطم سید محمد تقی آل طیب و سید علی اسفندیار و سید علی ابن ملا یوسف بوده است - کتاب تصنیف راز و حاج ملا محمد کزلی و العزیز راز و سید محمد علی شیخ الاسلام و سید علی ابن تالم و سید راز و حاج سید علی اسفندیار سابق الذاکر و مختصر و خلاصه الحجاب راز و سید محمد تقی شیخ الاسلام و سید علی و حاشیه ملا عبدالرشید طبعه و معالم راز و حاج سید بزرگ آل طیب و در اینین و تقریرات شیخ انصاری و شرحه و شرحه تجرید راز و عالم حاج شیخ محمد کزلی در کس خوانده ام

در ۱۳۳۵ سفری جز قول نموده مقصدی از رسائل راز و حاج سید حسین مفید و شیخ عبدالحمین جامع الگه را ندیم - در ۱۳۳۷ بزیارت ائمه عراق مشرف شده تا سال بعد مهاجر بودم در ایام ترقف کتب نزد شیخ محمد حسین رشیدی و سید ابوالقاسم اشکوری مدرس رسائل و کفایت و ریاض منقول بودم و بهیجا مدرس خارج سید محمد فیروز کبیری و علامه شیخ محمد سعید را بیام تو قف کریمه مدرس شیخ غلامحسین مرندی میر قتم والیایات منظوم را بارت تمام از سید محمد علی (ابن الدین) مرستی فی اقد نمودم - سید و زبور منظوم بنام من شروع نمود و آن را مصنف مکرّم نامید که فصوله بیاخت منقحه الیایات بود و با منظوم سبزواری اتفاق بسیار داشت - در ۱۳۳۸ خوزستان مراجعت و در مدرسه جزائری تدریس نمودم

ابن سید محمد رشیدی ابن حاج سید محمد امام در حسن حقوق و یکی اطوار بر طرف و بر واضع و خوشی رفتار بر صورت برد علوم لطیفات از آثار رب و احباب از رفتار خورشید و بر وفاتش متعجب بودند تو کوش در ۱۲۸۸ و فاش بکده در ۱۵ شعبان ۱۳۴۹ اتفاق شد اولاد کوش چهار نفرند ۱- سید نورالدین نگارنده این اوراق ۲- سید محمد علی که تا حاضر حاضر است مقدمات تربیتی راز و از اینجانب تحصیل نموده و هده از محضر حاج شیخ محمد کزلی عالمی کزلی کاز علمای مودت خوزستان است استفاده منطبق و معانی بیان کرده است - فعلاً اولاد پسر است سید محمد حسن نام ۳- سید جلال الدین ۴- سید محمد محمد

۱- انا شرح زندگانه نگارنده سید نورالدین امام: قرآتم در شب نیت و چهارم ذوالقعدة ۱۳۱۶ قمری در شوشتر واقع شده است - دارم به بساره بکلمه در دفتر مرحوم شیخ محمد علی فرزند حاج شیخ حمزه معروف است - کوازلین حاجیه به بی نامم سلطان دختر حاج سید محمد رضا (که در عصر خود بابت سادات و علمای و زقول را داشت)



وسالها در تاریخ و جغرافیا و ریاضیات و ادبیات فارسی و عربی و طبیعیات و سایر فنون ریاضیه و اجتماعیه مطالعه نموده ام که نتایج آن تالیف چند کتاب است
 ۱ جغرافیای تاریخی خوزستان ۲ تاریخ سیاسی خوزستان ۳
 تاریخ علمی و ادب خوزستان که این سه جلد کتاب خوزستان نام دارند
 سید ۴ مجموعه در فنون مختلفه ۵ مسوده های عدیده در تفسیر و فقه و اصول
 و حدیث و اخلاق

و اکنون مرا سید است سید جمال الدین سید عبد الله سید نعمت الله
 تا سید علی اصغر ابن سید حسین امام جمعه خارا از فضیلتی نبود در مسجد
 جراب دوزان امامت مینمود - در سال هزار و دویست و استاد و معارف و فواید
 از او منکلف شد حاج سید محمد طاهر (امین التبار) و سید عبدالحسین
 و حاج سید محمد طاهر در ۱۲۸۰ م شکر شده و از اعیان تجار معظم خوزستان بود
 در سلخ صفر ۱۳۵۳ فوت شد اولاد ذکر کردش (دو نفرند) حاج سید حسن

(امین زاده) که او نیز تا بحال سید پسر برایش شده سید محمدی سید ابراهیم
 سید فخر الدین

۲ سید محمدی (امین زاده) که او نیز ۵ پسر دارد سید محبتی و سید ۴ بیع
 سید سید سید
 و از سید عبدالحسین ابن سید علی اصغر سابق الذکر نیز در پسرانده سید علی
 عطش که در کف ساکن است و سید محمد علی شوشتریان

سنجه (۶۴) متن زندگینامه خودنوشت آیت الله محمد باقر بیرجندی

زندگی نامه آیت الله بیرجندی در بسیاری از منابع نوشته شده است؛ به قلم فرزند او در کتاب بهارستان و به روایت یکی از شاگردانش در خاتمه کتاب کبریت احمر (چاپ اسلامیة) و به گزارش شماری از دوستانش مانند علامه شیخ آقابزرگ در نقباء البشر و مصفی المقال، شیخ عباس قی در فوائد الرضویة، حسین عماد زاده در مقدمه شرح زیارت رجبیه، مدرس تبریزی در ریحانة الادب و سید محسن امین در اعیان الشیعه و ملا علی واعظ تبریزی در علماء معاصرین و شیخ محمد رضا طبسی در کرامات الرضویه و ...

علامه آیتی بیرجندی این زندگی نامه خودنوشت را در خاتمه نسخه خطی رساله بغیة الطالب فیمن رأی الإمام الغائب علیه السلام یا تذکرة الطالب نگاشته است. این رساله دارای چند فصل است که در آغاز معرفی کسانی است که توفیق تشرف به محضرامان زمان علیه السلام داشته اند و ادامه این رساله درباره احوالات باب ورد گفته های اوست. فصول بعدی این رساله معرفی علمای منطقه قائن و بیرجند است. مطالب دیگر این کتاب به معرفی علمای همنام امام محمد بن علی باقر العلوم علیه السلام «باقر و محمد باقر» اختصاص دارد. این زندگی نامه در پایان فصل معرفی علمای قائن نوشته شده است.

مؤلف رساله دیگری در معرفی علما و بزرگان قائن به عربی با عنوان «رجال قائن» دارد که به تصحیح مرحوم سید جلال الدین محدث ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵ ش (رساله سوم در کتاب سه رساله در علم رجال) چاپ شده است.

کتاب بغیة الطالب فیمن رأی الإمام الغائب علیه السلام در سال ۱۳۰۵ ش در مشهد مقدس در ۱۸۵ ص به چاپ رسیده است.^۱ نسخه خطی این اثر به شماره ۳۴۱۳ (فهرست کتابخانه مرعشی ج ۹ ص ۱۹۶) در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله به خط مؤلف موجود است. نسخه دیگری نیز در همین کتابخانه به شماره ۳۴۱۷/۲ (فهرست ج ۹ ص ۲۰۲) موجود است که فاقد فصول پایانی کتاب است.

علامه آیتی بیرجندی این زندگینامه را در ۱۳۴۱ ق در سن شصت و پنج سالگی در نوشته و

یازده سال بعد در ۱۴ ذیحجه ۱۳۵۲، مطابق ۱۰ فروردین ۱۳۱۳ش درگذشت و آرامگاه او در قبرستان عمومی بیرجند زیارتگاه خاص و عام است.

علامه بیرجندی زندگی نامه خودنوشت دیگری نیز به آیت الله مرعشی نجفی در دو صفحه نگاشته که در نامه ناموران؛ گزیده‌ای از نامه‌های رجال دینی و علمی به آیت الله مرعشی نجفی (قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۹، صص ۵۹۳-۵۹۴) به طبع رسیده است. تاریخ تحریر این زندگی نامه ۵ ذیقعد ۱۳۴۸ است. متن تصحیح شده این زندگی نامه در مجله میراث شهاب (شماره ۶۷، بهار ۱۳۹۱) در مقدمه مقاله «فواید از فواید الکاظمیه» چاپ شده است.

متن زندگینامه خودنوشت آیت الله محمد باقر بیرجندی

تراب اقدام العلماء وقامة مجلس الفقهاء الحاج محمد باقر بن محمد حسن البيرجندی المعروف بـ (المجتهد).

تلمذ او در نجف اشرف در فقه بر آخوند ملا محمد ایروانی و المیرزا حسین ابن المیرزا خلیل الطهرانی النجفی و در اصول بر میرزا حبیب الله رشتی صاحب بدائع الأفكار و المولی محمد کاظم الخراسانی النجفی صاحب کفایة الاصول بود، بعد در سرمن رأی بر حجة الاسلام المیرزا محمد حسن الشیرازی المدفون بالنجف الاشرف.

در مقام استنباط طریق مجلسین دارد بحکم خیر الامور اوساطها در بعض مسائل موافقت دارد با صاحب حدائق و وسائل الشیعة و بحار الأنوار^۱ و در جمله‌ای از مسائل مثل عدم حجیت کتاب و عقل و ظنون خاصه و وجوب احتیاط شدید الطعن است بر جماعة اخباریین از اصحاب و مائل بلکه قائل بصحت اکثر اخبار مودعة در متأخرین ولیکن تتبع تمام می خواهد در فهارس و مواضع مناسبه كما اعترف به التقي المجلسي و تحقیق مشرب خود را به اوضح بیان در رساله محاکمة بین الأصولیین و الأخباریین نموده [است].

مجاز شد در بیست و دو ساله‌ای از فقهاء نجف مثل آخوند ایروانی و ملا لطف الله مازندرانی و شیخ محمد استرآبادی و شیخ جعفر شوشتری و بعد ذالک از جمع کثیری چنان چه در رساله ذخیره المعاد فی الأجازة لأفلاذ الأكباد حاوی آن است. و تا حال زیاده از بیست مصنف دارد:

كتاب عين الباصرة في شرح التبصرة

وتعليقه رياض

وايضاح الطريق في الأصول

وكبريت أحمر

ونور المعرفة والمعارف والأخلاق

الصمصام المهدوي

وآيات الأحكام

ولب الخطاب في رد أهل الكتاب

وأكفاء المكائد في رد صوفية

وذخيرة المعاد

ورسالة سير وسلوك

والحواشي على الرسائل العلمية عربياً وفارسيّاً كالتبصرة والجامع العباسي ومجمع المسائل

وتذكرة الطالب في من رأى الإمام الغائب

وبداية المعرفة في المعارف الخمسة

والدرّة البيضاء في أصحاب العباء

والعوائد الأيّام في شرح الفوائد الغروية

والفوائد الكاظمية

وجامع الفقه

وديوان اشعار

وكتاب الكشكول في مستطرفات المعقول والمنقول.

